نگران

ایشیک آقاسی ملکی حضور اعلحضرت همایونی

علی احمد

قیمت سالیانه

در دار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی

در اطراف داخله مملکت

با اخراجات داك ۱٤ روپیه کابلی

در خارج مملکت

با اخراجات داك ده روپیه انگلیزی

بهر پانزده روز یکبار نشر میشود

سراج الاخبار افغانیه ۱۳۲۹

مدیر و سر محرر

محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه

در ماشینخانه دار السلطنهٔ (کابل)

همهٔ امورات تحریریه به اداره خانه

بنام مدیر فرستاده میشود

قیمت یك نسخه آن در کابل یکعباسی است

تاریخ عربی ۱۵ شوال المکرم ۱۳۳۰ — تاریخ انگریزی ۲۷ ستمبر — تاریخ شمسی ٤ میزان ۱۲۹۱

درین اخبار از حوادث داخلیه و خارجیه وبس مقالات مفیده درج میشود



پادشاه خود مختار دولت علیهٔ افغانستان اعلحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان

عرض

بسایهٔ معارف‌پیرایهٔ اعلیحضرت (سراج الملة والدین) بادشاه خود مختار دولت علیهٔ مستقلهٔ افغانستان أمیر ابن الامیر ابن الامیر (أمیر حبیب الله خان) أبقاء الله دولته الی آخر الدوران مطبعه تیپوگرافیٔ دار السلطنهٔ کابل باحسن وجوه اکمال یافته این است که نامهٔ گرامیٔ (سراج الاخبار افغانیه (نسخهٔ شمارهٔ یکم سال دوم خودرا دران مطبعهٔ عالی به این رونق وجمال زیور طبعیه در بازار عرفان نثار عالم مطبوعات جلوه پیرا ساخت . ونیز نور علی نور گفته صحیفهٔ نخستین خودرا باتصویر زینگوگرافیٔ ذات مراحم صفات اعلیحضرت بادشاه مقدس محبوب القلوب خویش تزئین عزت وشرافت بخشید اگر بعضی خورده گیران (سراج الاخبار افغانیه) رااخبار نخستین افغانیه ندانندچون این نسخهٔ اورا ببینند سخن خودرا باید واپس بگیرند زیرا اینچنین اخبار بیشك نخستین اخبار است که محصول عصرمعالی حصراعلیحضرت (سراج الملة والدین) است وبس !

زنده بادا بادشاه معرفت پرور که او — حامیٔ علم‌است‌وعرفان‌عاقل‌است‌ونکته دان
بهر ملك وملت خود نشر عرفان میکند — زنده بادا شاد بادا بادشاه مهربان

آمین

آغاز سال دوم سراج الاخبار افغانیه

ذات اقدس خالق یگانه بیهمتای‌خودرا ثنا میگوئیم، وبرروان پاك رهبر وپیشوای برحق خود(محمدمصطفی علیه الصلوة والسلام) درودبیپایان میفرستیم ، وارواح مقدسهٔ آل واصحاب وپا کان‌دین خودرا تعظیم وتقدیس‌امینمائیم ، ودوعای طول‌عمر ودوام عافیت بادشاه معظم مقدس خودمانرا وردزبان صداقت کرده بعرض مقصد میپردازیم :

ملیون ملیون شکر ، ملیار ملیار ثنا بذات اقدس بیهمتا که مارا بر دوام این گرامی نامهٔ وطنیهٔ (سراج الاخبار الافغانیه) توفیق کرامت فرمود که سال اول آنرا به انجام رسانیده با این نسخهٔ خود شماره اول سال دوم آنرا بااین ترقیات موجوده‌بنظر مطالعهٔ قارئین کرام خود بمعرض عرض میرسانیم .

« کاسنی اگر تلخست از بوستان است » گفته اند . سراج الاخبار افغانیه نیز اگر خوبست اگربد اخبار وطنیٔ افغانست. وچنانچه هرچیز وطن شیرین وگوارا میباشدبا وجود نواقصی که دارد (سراج الاخبار افغانیه) نیز بحمدالله تعالی‌در نظر ارباب نظر وهموطنان عزیز وطنپرور خود یك موقع عظیم رغبت وتوجه را حاصل کرده است روی سخن مابعضی با کسا نیکه غیرت ملی وحب وطنی رابونبرده اند نیست. زیرآنچنان اشخاص چنانچه هیچ چیز وطن را نمی پسندندوتنها منافع شخصی خودرا می اندیشند البته که اخبار آنرا نیز نخواهند پسندیدوردخواهند کرد . حتی اخبار را یك چیز مضر ونابکاری نیز پنداشته محو آنرا آرزو میکنند . ولی ماهزار بار بخدای خود شکر میکنیم که بما ملت افغان‌چنان یك بادشاه عادل‌عاقل نکته دان ، وپدر شفیق خیراندیش مهربان مانند ذات شوکت سمات اعلیحضرت (سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) اید الله دولته بالنصر والفوز وعلو الشان عطا فرموده که بفکر رسا وعقل پارجا همه نکات‌باریك ترقی وتعالیٔ وطن‌وملت شاهانه‌شانراموبمو درزیر نظر غور وتدقیق داشته اند. واز هرگونه اجراآت نافع ومفیدی که ادنا سود وخیری بدولت وملت شان برساند دریغ عاطفت نمیفر مایند . وازین است که اخباررایك چیز نافع وسود مندی

Univ.-Bibl. Bamberg

برای ملت ووطن شاهانهٔ شان دیدند که طبع ونشر آنرا اجازه فرمودند .همین شرف وافتخار برای سراج الاخبار کافی دیده میشود . چه جائی که مدیر وسر محرر عاجز آن گاهی تحریراً و گاهی شفاهاً مظهر عواطفات تحسینیه ودوعائیهٔ اعلحضرت متبوع مقدس معظم وبادشاه محبوب القلوب عرفان شیم خود نیز گردیده باشد . آیا ازین سعادت برتر ، وازین نعمت عظیمتر برای این عبد احقر باخاك برابر كدام چیز تصور خواهدشد ؟

این گرامی نامهٔ وطنی در ظرف این یکسالی که به نشریات آغاز کرده هرچه که گفته از بهبود وطن گفته وهرچه که نوشته در مدافعه وطن نوشته . مانند نحل عسل از هر گلشن وهرچمن خلاصهٔ موادٔ عطریهٔ علوم وآداب نافعهٔ مفیده‌را جمع کرده شهد معلومات وباخبریهارا علی قدر الامکان بر اذهان مطالعین کرام خود عرض نموده . وبقدر استطاعت عاجزانه واقتدار مورانهٔ خود هرانچه سعی وکوشش قلمیهٔ که در وسعش بود بکار برده . تا اینکه در زیر حمایهٔ عرفان آیهٔ شهریار هوشیار بیدار عدالت ومرحمت شعار مقدس خود سال اول خودرا به انجام رسانیده بکمال شوق وتمام ذوق بسال دوم خود به این صورت ترقیٔ امروزه‌روز خود قدم نهاده است . (سراج الاخبار افغانیه) باتمام موجودیت هستیٔ خود یعنی باهر حرف ، وهر کلمه وهر جمله ، وهر عبارات ، وهر سطر ، وهر صحیفه ، وهر ورق ، وهر عدد ، خود از الطاف مراحم اوصاف ذات اعلحضرت حامی اعظم واکرم خود عرض تشکرات بلا نهایات وتقدیم تحمیدات وتحیات بی غایات مینماید . واز صمیم روح ، واخلاص قلب ، وصداقت وجدان اعتلای قوت وعلو شان دولت متبوعهٔ مقدسهٔ خودرا ، ومحافظهٔ ونگهبانی وسعادتهای مادی ومعنویٔ وطن وملت مقدسهٔ خودرا که در وقت حاضر امیدگاه واستنا دجای بسیار قوی ومتین عموم مسلمان قطعهٔ آسیا شمرده میشود از بارگاه پر کبریائی ذات اقدس الله عظیم الشان نیاز واسترحام مینماید ودر بارهٔ خود توفیقات وهدایات صمدانی آن ذات اقدس احدیت جل وعلا را تضرع ومناجات میکند تا باآن توفیق وهدایت خدمات نافع بوطن مقدس خود بجا آرد . ومن الله التوفیق .



تاریخچه یکساله سراج الاخبار افغانیه

تاریخچه داخلی

سال اخبارما از پانزدهم شوال سنهٔ ۱۳۲۹ تابه غرهٔ شوال سنهٔ ۱۳۳۰ اعتبار میشود . لهذا خواستیم که خلاصهٔ تاریخچهٔ وقوعاتی که در ظرف اینمدت در داخل مملکت بروی کار آمده درج صحایف افتخار نمائیم:

از انجا که توجهات جهاندرجات اعلیحضرت همایونی دائما درپی ترقی واعمار بلادوا مصار شاهانهٔ شان مصروف است از ابتدای جلوس میامن مانوس شاهانه درهر سال بسی آثار عمران وترقیات نمایانی بروی کار آمده است که ما از همهٔ آن ها درینجا بحث وبیان نکرده تنها از بعضی آثار همین سال گذشتهٔ که اخبارما دران جاری شده است بصورت اجمال بیان میکنیم : ترقیات وانشا آت

(راهها وپلها)

بعضی طبایع چنانچه بالطبع مایل خرابی وطرفدار ابتری وپرا کنده گی میباشد بعکس آن بعضی طبایع طبعاً بسوی ابادی وانتظام مایل وشایق می افتد. ذات اعلیحضرت بادشاه معظم ما طبعاً مایل اعمار وانتظام مملکت شاهانهٔ شان میباشند . وازین است که مسئلهٔ تعمیرات وانشا آت راخیلی اهمیت میدهند . درینسال فرخنده‌فال گذشته چنانچه بعضی سرکهای جدید نوبکشیدن آغاز نهاده سرکهای موجوده نیز تعمیر ودستکاری شده است . مهمترین این سرکهای سال مذکور سرك (جبل السراج) ؛ و (سراج الامصار) تابه (پل سراج گلبهار) است که یك شعبهٔ نو این سرك که بسوی قصبهٔ (استالف) میرود نیزدرین نزدیکیها به انجام رسیده است . در سرك (غزنین) وسرك (اهوگرد) نیزدر سال موصوف کار شده است .

ازانشاآت مهمهٔ سال فرخنده‌فال گذشته یکی (پل سراج گلبهار) است که برنهر نیلاب بسته شده وتفصیلات آن در

شماره (۲) سال (۱) سراج الاخبار افغانیه مندرج است . این پل آهنین فواید قرین اساسی وخط اتصالیهٔ دارالسلطنه را با حدود شمالی ترکستان زمین افغانی از یك راه بسیار قریب الوصولی تأمین وتهیه میکند که تنها همین نکته براهمیت فوق العادهٔ ان یك دلیل روشن بزرگی شمرده میشود . پل آهنین دیگر بر نهر (غوربند) بسته شده که سرك دارالسلطنه رابه (سراج الامصار) جبل السراج ارتباط داده است . اگرچه درعظمت وجسامت (پل درنته) یك شکوه وهیبت بنظیری دارد ، ویکی از آثار عظیمهٔ عصر ترقیحصر سراجیه شمرده میشود ، ولی این دو پل آهنین مذکور نیزدر اهمیت موقع ازان پس نمیماند . وچنانچه پل درنته ایالات لغمان زمین وقطعهٔ کافرستان مسمی به (نورستان) را بولایت جلال آباد ارتباط داده وبسی منافع سیاسی واقتصادی بدولت متبوعهٔ ما رسانیده است پل (سراج گلبهار) و (پل حتك) نیز ایالات (کابل) و (کوه دامن) زمین رابا ایالات جسیمهٔ (کوهستان) و (پنجشیر) ارتباط داده خطوط مواصلهٔ سمت شمالی رادر زیر امنیت گرفته است .

سراج الامصار

(سراج الامصار) که یك قلعهٔ مستحکمهٔ جنگی جسیمی در یك موقع بسیار مهمی واقعشده یکی از آثار انشائیهٔ عظیمهٔ عصر معالیحصر سراجیه میباشد که چون قبل از انتشار اخبارما به تاسیس وبنیاد رسیده درینجا موضوع بحث ما نمیشود وانشاء الله در آینده سرنامهٔ مقال خود خواهیم نمود . اما درینجا انیقدر گفته میتوانیم که در سال مذکور بکمال گرمی به تعمیرات متممهٔ آن دوام ورزیده شده است .

(سراج الامصار) در (جبل السراج) نام موضع (کوه دامن) مبنی شده است که در أوایل موضع مذکور بنام (پروان) زبانزد بود . موضع مذکور از کابل تقریباً ۲٤ ساعت بسوی شمال بعد مسافه دارد . (سراج الامصار) در یك موقع بسیار معتنا بهای عجیب وغریبی مبنی شده است . سه دره وگذرگاه بسیار مهمی که بسوی شمال یعنی ایالات ترکستان میرود این مستحکمه هرسه درهٔ مذکوره رادر زیر حفاظت وأمنیت میگیرد . علی الخصوص که فابریك یعنی (کارخانهٔ برق) نیز بریکی ازین درهها که متصل (سراج الامصار) است مبنی شده است که تفصیلات آن بعد ازین ذکر میشود .

منظره های طبیعی کهسارها ، ودره ها ، ووادیها ، وآبشارها ، وجویبارها ، ومیوه زارها وکشتزارهای این موضع لطافت موقع که (سراج الامصار) دران بنا یافته حقیقتاً خیلی دلکشائی ودلربائی دارد .

سراج العمارات

(سراج العمارات) در ولایت (جلال آباد) است که قبل از دو سال أساس آن بنا نهاده شده ، ودرسال گذشته بتمام اعزاز واجلال به انجام رسیده است . این بنایکی از بناهای بسیار با عظمت وشکوه عالی خیلی دلربائیست که اگر مدار زینت وسر فرازی یك شهر بزرگی شمرده شود جا دارد .

(سراج العمارات) یك بنائیست که ذات اعلیحضرت همایونی بنفس نفیس شاهانهٔ خود نقشه وپلان آنرا حاضر کرده بر معمارهای خود افغانستان زیر نظارت شاهانهٔ خود شان اعمار وانشا فرموده اند . وانیهم از خارقه های معماریهٔ این بنای با شوکت وشانست که بظرف چهل روزه یك مدتی این بنای با اینهمه عظمت وجسامت تابحد پوشش از زمین بالا بر امده است . این عمارات محتشم یك دایرهٔ بسیار جسیم سلطنتیست که هم دایرهٔ دربار عام وهم دوایر در بار خاص ، وهم دالانهای بسیار واسع وفراخ بزرگ ، وهم اوتاقها وآپارتمان های خصوصی وباقی همه لوازمات قصر های بادشاهی را جامع میباشد . امور تفریشیه وتزئینیهٔ آن نیز به أحسن وجوه تکمیل شده است .

(سراج العمارات) نسبت بجسامت وعظمتی که دارد در مدت بسیار کمی بوجود امده است. حالا نکه بعضی عمارات عالیهٔ بادشاهی که به بزرگی وجسامت قریب آنست که بهشت ونه سال به انجام نرسیده است. این ازانست که سراج العمارات جلال آباد بمهندسیٔ معماریٔ ذات اعلیحضرت همایونی ساخته شده، ومهندسیٔ آنگونه عمارات دیر تمام را مهندسان دل ناسوز أجنبی تخته مشق تجربه های خود کرده بودند. (کس نخارد پشت من، جز ناخن وانگشت من)

قلعة السراج لمقان

در شمارهٔ (١٣) اخبارما احوال مفصل (قلعة السراج لمقان) مندرج است. درینجا اینقدر میگوئیم که درسال گذشتهٔ که اخبار ما تاریخچهٔ انرا مینویسد همهٔ امورات انشائیه وتعریشیهٔ آن اکمال واتمام یافته است.

این بنای معظم محتشم نیز یکی ازانشاآت بسیار فاخرهٔ عصر معالیحصر شاهانه شمرده میشود. غیر از محسنات تعمیریهٔ آن از نقطهٔ نظر حرکات عسکریه نیز اهمیت عظیمهٔ را حائزاست. چنانچه (سراج الامصار) در جهت شمالیٔ ایالت قطعهٔ کابل زمین یك مرکز عسکریٔ بسیار مستحکم منتظم میباشد (قلعة السراج) لمقان نیز در جهت شرق شمالی یك موقع عسکری بسیار مهمی شمرده میشود که همهٔ دره ها وگذرگاههای مهمهٔ آنسمت را در زیر ترصد وترقب گرفته است.

کیفیت افتتاح این عملیات بسیار مبارك نیز در شمارهٔ (٩) اخبارما مندرج است. تمام سال گذشته درحفریات وعملیات آن کار شده. در خوبی وفواید آن بحث وبیان کردن را زایدمی بنیم. کدام کس حکم خواهد کرد که بی آبی از باآبی بهتراست؟ ویا آنکه تشنه گی از سیرابی خوشتراست؟



اصلاحات تعمیریه درباغ شاهی جلال اباد

باغ شاهی یکی از باغهای ارم مثال بیمثالیست که از بناهای عصر فرخنده گی حصر خاقان مغفور جنت مکین اعلیحضرة (ضیاء الملة والدین أمیر عبد الرحمن خان) طاب مثواه میباشد. اگرچه از صدد بحث ماخارج است، ولی چون درسال گذشته بعضی اصلاحات تعمیریهٔ مهمه دران اجراشده ویك کول مصنوعیٔ بسیار بدیع الخلقتی در آن حفر وانشا گردیده تذکار آن را از وظایف تاریخچهٔ خود شمردیم.

چنانچه درنفس قصر پرشکوه وسط باغ بعضی تغییرات وتزئینات بسیار بدیعی بکار برده شده درآخر جهت شرقیٔ باغ نیز یك کول مصنوعیٔ بسیار بطبیعی نزدیکی ساخته شده است که اطراف آن با نباتات وشجیرات بگولها مناسب تزئین یافته، ودو جزیرهٔ بسیار ظریف ولطیفی در کول موجوداست که باپلهای بسیارخوشنمای زینت ادایی مزین شده. والحاصل اگردر کدام شب جشن پرچراغان رنگارنگی بقدر یك چند دقیقهٔ در یك کشتیٔ درمیان این کول یك جولانی اجرا کنید هیچ شبهه نیست که خودرا مستغرق لجهٔ دریای حیرت دیده در یك عالمی دیگیری فرض خواهید کرد!

نهر سراج قندهار

یکی از آثار عظیمهٔ عصر سراجیه حفریات نهر بسیار جسیم (نهرسراج قندهار) است که ازنتایج مستحسنهٔ سفرخیریت أثرهمایونیست که درسنهٔ ١٣٢٥ تمام ممالك محروسهٔ شاهانه را دوروسیاحت فرمودند ودر هر ولایت وهر مملکت که قدوم میمنت لزوم موکب همایونی رسید یك أثر عمران، ویك علامهٔ ترقی نشانی بیادگار نهادند. نهر سراج نیز از همان نشانه های سعادت وعمرانست که از نهر (هلمند) برای اسقا وارِوا نمودن أراضیٔ خالیهٔ غیر مزروع بزراعت صالح حفر شدن انرا اراده فرمودهاند. انشاء الله تفصیلات آنرا در آینده سرمقالهٔ مفتخرهٔ اخبار خود خواهیم نمود. درینجا جون در سال گذشته بتمام گرمی وفعالیت در انشاآت عملیهٔ ان دوام ورزیده شده بهمینقدر تذکار اکتفا نموده شد.

بند سراج غزنین

یکی از معظمات أمور اینعصر تعالی حصر سراجیه شمرده میشود . اهالیٔ غزنین از سبب کم آبی از زراعت خیلی بی بهره بودند . وقتیکه ذات اعلیحضرت پادشاهی بدورهٔ سیاحت ممالك شاهانه در غزنین تشریف فرمای سعادت شدند این احتیاج اهالی جلب نظر دقت شاهانه شانرا نموده دریك موضع مناسب ومساعدی در میرای فوقانیٔ نهر غزنین انشا شدن یك بند بسیار عظیمی را اراده وفرمان فرمودند که انشاء الله از تفصیلات آن در شماره های آیندهٔ خود بحث وبیان خواهیم راند.

این بند به أصول وقواعد جدید از قرار فن معماری انشأ میشود . آب دره درین حوضهٔ بند جمع می آید . برای جریان آن سه درجه گذاشته شده . اول در وقتی که آب دره وافر باشد دهنهٔ میرای بزرگ آن باز میشود . وچون کمترشود دهنهٔ دوم وسوم آن بازشده دایما بمقدار کفایت آب جریان داشته میباشد که به اینصورت احتیاج کم آبی أهالی رفع شده بهزار ها هزار جریب زمین خالی را بزراعت مانندچمنستان ارم سبزوشاداب میگرداند ، چون پارسال بکمال گرمی در تعمیرات انشائیه ، وتدارکات جلب نمودن آلات وأدوات لازمهٔ آن جد وجهد بلیغ بکار برده شده است بهمینقدر تذکار آن لزوم دیده شد. مامور این کار فواید آثار جناب مستر(ملر) انگلیزیست که برای اینگونه أمورات در دولت علیهٔ خداداد افغانستان مستخدم میباشد.

قصر دلکشا

یکی از عمارات بسیار عالی وباشکوهی که موجب افتخار وزینت بیشمار پایتخت سلطنت سنیه شمرده میشودهمانا قصر بیقصور مهابت نمای (دلکشا) ست که درمواجهٔ (برج شمالی)دربیرون قلعهٔ ارك مبارکه در جهت شرق شمالی بنا یافته است . اگرچه تذکار آن از صدد بحث تاریخچهٔ سال سراج الاخبار افغانیه سراسر خارج افتاده است ، زیرابه عملیات انشائیهٔعمارت مذکور از چندسالست که مباشرت شده است ، ولی چون درسال گذشته همهٔ انشاآت تعمیریهٔ آن به انجام رسیده، وامسال انشاء الله فروعات تزئینیه وتفریشیهٔ آن اکمال میشود بهمینقدر تذکار آن لزوم دیده شد امید است که در اقرب أوقات از رسم افتتاح آن عمارت جسیمهٔ پادشاهانه بعرض معلومات بپردازیم .



برج ساعت

در مواجههٔ قصر عالیٔ دلکشا برج بسیارخوشنمای نظربای ساعت بناشده است . تعریفات وتوصیفات آن در نمبر (سراج الاخبار افغانیه) سبقت نموده است که اینهم یکی ازاثرهای مهمهٔ سال اول ما میباشد .

آب پغمان

آوردن آب خوشگوار پغمانرا بکابل چنانچه در شماره های سال اول ماذکرش سبقت نموده نیز یکی از آثار حیات نثار اینعصر فرخنده گی حصر شمرده میشود . از پارسال تا امسال در عملیات مهمهٔ این عمل پر خیر وصواب سعی وکوشش بلیغی بعمل آمده است که درین روز ها تمدید نلهای آهنین وساختن مخزنهای آب آن مباشرت شده است .

بعضی تعمیرات دیگر

(١) — یکی از عمارات بسیار خوشنما وبازینتی که در نیسال فرخنده فال به انجام رسیده (عین العمارات) نام دایرهٔ نشیمنگاه شهزادهٔ مکرم جناب (عین الدوله امان الله خان) است که در جهة غرب شمالیٔ (استور) مبارك مبنی شده است .

(٢) — عکاسخانهٔ بسیار منتظم عالی ایست که محض بنا بریك واردات پتیمخانه در نزدیکیٔ ارگ مبارك در جهت چپ نهر برای هر شخصی که گرفتن عکس خودرا آرزو کند ساخته شدة است .

(٣) — در (تموز باغ) که برای نشیمنگاه صیفیهٔ ذات معالیه صفات (علیا حضرت سراج الخواتین) صاحبهٔ معظمه تخصیص فرموده شده است نیز بعضی ابنیه انشا گردیده است .

(٤) — یك بازار مکملی جدید بر کنارنهر بمحازی عکاسخانهٔ شاهی نیز جدید ساخته شده است .

دیگر بعضی آثار فنیه ومدنیه

(١) — از آثار بسیار مهمهٔ که در سال نخستین ما بظهور آمده است شیوع یافتن خودنامهٔ گرامیٔ (سراج الاخبارافغانیه) میباشد که مبدأ سال اول اورا تشکیل میدهد .

(٢) — دیگر چیز یکه شایان افتخار است تأمین شدن ساختن بارود کاردید بی دوداست که امتحانهای متعدد ازان گرفته

شده بر استحصال آن خاطر جمعیٔ کامل حاصل آمده است . کذلك اصلاح پتاق ، ودیگر بعضی آلات ناریه بوقوع آمده است .

(۳) — صنعت گرفتن آب چیچك از گوساله در شفاخانهٔ ملکی تعلیم وتعمیم یافته مسئلهٔ خال زدن اطفال مملکت تأمین شده است .

(٤) — مدرسهٔ زینکوگرافی در باب بسر رسانیدن شاگردان وا کمال نمودن قلیشه‌ها تمام سال کوشش ورزیده ، ونیز در باب تدارکات توسیع مطبعهٔ سرکاری و آوردن حروفات طیب وجلب مرتبین وتعلیم حروف چینی در تمام سال اقدامات مجدانه بکار برده شده این است که نامهٔ گرامی (سراج الاخبار افغانیه) بسایهٔ توجهات عرفان آیات همایونی ازان مطبعهٔ عالی به این شکل وقیافت امروزینهٔ خود بنظر قارئین کرام جلوه‌گر میگردد .

(۵) — یکی از آثار بسیار برگزیدهٔ عصر ترقیحصر اعلیحضرت پادشاه عرفان‌پرورما تأسیس یافتن چاپخانهٔ خصوصی (مطبعهٔ عنایت) است که از طرف عالیٔ شهزادهٔ معظم حضرت (معین السلطنه عنایت الله خان) به‌یك ذوق وهوس محبت علم وفن بنیاد گردیده است . اگرچه در آغاز کار محض برای ملکه ومهارت پیدا کردن نفرهای عملهٔ مطبعه در ماشین چاپ ، ومرتبی یعنی حرف چینی یك مطبعهٔ کوچك ومقدار کمی از حروفات تدارك شده بود ولی از قرار مسموعات موثوقهٔ که شنیده ایم چنان معلوم میشود که ذات عالیٔ افخمیٔ شهزادهٔ معظم خیال دارند که یك ماشین مکمل وحروفات بسیاری جلب نموده (مطبعهٔ عنایت) را بیك درخشانی وترقی نمایانی ایصال نمایند .

(٦) — سکه های رایج دولتی نیز در سال مذکور اصلاح یافته وقالبهای نو فولادیٔ آن حك شده حسن وزینت بدیعی پیدا کرده است .

(۷) — یکی از مؤسسات مهمهٔ سال گذشته تشکیل ، یافتن شرکت عرابهٔ موتر ، ورسیدن عرابه های آنست که محسنات اینگونه شرکتها آزادهٔ تعریف وبیانست . انشاء الله درشماره‌های آینده تفصیلات این شرکت را سر مقالهٔ فخر ومباهات خواهیم نمود .

(۸) — برای تکثیر واردات یعنی درامد (یتیم خانه) ومکتب آن تشبثات بسیار نافعی اجرا شده است . چنانچه حاصلاتی که از عکاسخانهٔ ذات اعلیحضرت بادشاهی بعمل می آید برای یتیمخانه مقرر گردیده است بعضی اقدامات دیگر نیزمانند حاصلات صافیهٔ شرکت عصریه چمن حضوری ، وتماشای جمناستیك وغیره نیز بکار برده شده است . نظامنامهٔ مکتب آن نیز ترتیب وتنظیم یافته است .

(۹) — مهمترین وعظیمترین مؤسسات عصر فرخنده گی حصر سراجیه تدارکات حاضر ساختن یك کارخانهٔ بزرگ حاصل کردن قوت الکتریك است که در سراج الامصار قلعهٔ السراج بوجود می آید . بادشاه حکیم دانشمند مقدس ما از قوای طبیعهٔ مملکت شاهانهٔ شان که حضرت خالق عظیم الشان در یك مقیاس واسعی بخاك افغانستان عطا واحسان فرموده‌فایده برداشتن‌را به مطلب نزدیکتر یافتند. از آب سر نشیب وافری که از درهٔ (سیاولنگ) از متصل جبل السراج میگذرد بقرار حسابی که بعمل آمده بقوت (۱۵۰۰) اسپ یك قوت عظیمهٔ الکتریك حاصل میشود که با این قوت غیر از تحریك ماشینخانه های کابل را بقوت الکتریك مقدار بسیار وافرقوت برای تنویرات دار السلطنه وسراج الامصار . ودیگر کار خانه ها یی که سر از نوساخته شود فضله بدست میماند . الحق که این تشبث یکی از اقدامات عظیمهٔ شمرده میشود که موجب یك حیات تازهٔ صنایع وتجارت دولت خداداد میگردد . درسال گذشته بکمال گرمی در باب حاضر ساختن نقشه ها ، وپلانها وتدارك کردن آلات وادوات لازمهٔ آنها کوشش ورزیده شده است .

(۱۰) — کارخانهٔ جسیمهٔ پشمینه بافی نیز تمام سال گذشته را به اکمال انشاآت تعمیریهٔ خود پرداخته در وقت حاضر بعضی کارهای متفرقهٔ آن باقی مانده که آنهم روز بروز در اکمال شدنست .

(۱۱) — یکی از آثار عظیمه عصر سراجیه تمدید یافتن خطوط تلفون است در ممالك شاهانهٔ شان . اگرچه ولایتهای مهمهٔ جلال آباد ولمقان دو سال قبل ازین بادار السلطنه کابل بواسطهٔ تلفون ارتباط یافته ولی در سال گذشته سراج الامصار جبل السراج نیز بادار السلطنه به تلفون مربوط شده است .

سال سیاسیٔ داخلی

از واقعات عمدهٔ مهمهٔ که درینسال گذشته رخ داده‌است بغی وعصیان طوایف مردم منگل واحمدزائی . بود که سبب یگانهٔ عصیان مذکور از عدم ارادهٔ حاکمان آن سمت پیش آمده است مکدر ترین ایام سال وقوع همین وقوعاتست . چسان مکدر نباشد؟ أقوام مسلمان یك وطن که بحکم دین وملت وتابعیت وزبان وغیره جز وهمدیگر شمرده میشوند دفعهٔ به اغوای شیطان لعین بر بغاوت وسرکشی اقدام نمودند که از دیدن اینچنین یك حال ناگواری که موجب خسر الدین والدنیا شدن یك گروه ملت خودماست مکدر ومتأثر نشدن ممکن نیست . ذات اعلیحضرت بادشاه شفیق معظم مرحمت پرور مادر أول امر به پند ونصیحت، بعد ازان به تهدید وتکدیر ، آخر الامر به استعمال سلاح،

ودرعین زمان باز برفق وملایمت آن گم گشته گان راه راست را براه آوردند. جنرال محمدنادر خان را که جنرال حضور وکارشناسی بود ومظهر اعتماد وعواطف شاهانه بود بایك غند از عساکر منتظم شاهانه بعهدهٔ اختیارات تامه به آنسو سوق وکسیل فرمودند. جنرال مشار الیه همه گونه تدابیر سیاسیٔ عسکریٔ خودرا بکار برده واصلاحات لازمه را درانسمت اجرا نموده از قراری که شنیده میشود گویا درینروزها عودت میکنند. غیر از همین غایلهٔ منگل پوانگل دیگر چیز مکدری در داخل ملك ظهور نه نموده وبسایهٔ عدالتوانیهٔ شاهانه در همهٔ ممالك محروسهٔ المسالك افغانیه تمام سال بکمال أمن وآسایش وصحت عامه مرور نموده است.

با دولتهای همسایه وهمجوار خود دولت متبوعهٔ مقدسهٔ مابقرار سابق بی غایله بسر آورده است. علی الخصوص با دولت دوست ومتفق خود یعنی دولت معظمهٔ بریتانیا نیز به أحسن سلوك از جانبین رفتار شده. تنهادر سرحد سیستان با دولت علیهٔ ایران بنا بر تجاوزات حقوق شکنانهٔ بعضی خان های خودسر تبعهٔ دولت علیهٔ ایران کمتری منازعات پیش آمده آنهم بحمدالله به أحسن وجوه بر طرف گردیده است.

با دولت علیهٔ عثمانیه بمناسبت یکدو اعانهٔ که درباب حریق دکان استانبول وبازماندهگان شهدا ومجروحین طرابلس غرب بوقوع آمد مخابرات ومکاتبات دوستانه ووداد کارانه درمابین این دو دولت علیهٔ اسلامیة احداث گردیده فوائد عظیمهٔ بعالم اسلامی رسانید. در حالتی که از عمرها این دو دولت اسلام با یکدیگرشان نه سلامی داشتند ونه کلامی این غداری وغصابیٔ پر قصابی ایتالیا تنها موجب ایقاض وانتباه عظیم مسلمانان گردیده بر همدیگر خود یك صدایٔ کردند وبه اطراف خود یك نظری انداختند. به همدردی ودستگیری واتحاد خود شانرا مجبور دیدند. مقصد از اتحاد وهمدردی این نیست که اردوهای پر طوپ وتفنگ خودشانرا بمعاونت یکدیگر سوق نمایند، نی بلکه تنها بدرد همدیگر خود متألم شدن، از احوال همدیگر خود پرسیدن، بهر جودموجود یکه دست شان برسد همدیگر شانرا دستگیری کردن چنان نتایج عظیمهٔ اسلامی را دربردارد که محسنات انرا أرباب نظر میدانند. سبب یگانهٔ این انتباه اسلام ایتالیاست

(عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد)

تاریخچهٔ سیاسیهٔ خارجیه

(دولت علیهٔ عثمانیه ومحاربهٔ طرابلس غرب)

مهمترین واقعات وحوادثاتی که در ظرف سال اول (سراج الاخبار افغانیه) بظهور پیوسته همانا محاربهٔ طرابلس غرب است دولت ایتالیا که یکی از دول معظمهٔ اوروپا ویك رکنی از ارکان اتفاق مثلث میباشد از بسیار وقتهاست که ضبط واستیلای طرابلس غرب را در زیر نظر داشت. ودر وقتی که امپراطورها، ووکلاها، ودیپلوماتهای اوروپا ملاقتها ومصاحبه های پنهانی خود شانرا درباب مقاسمهٔ ممالك اجرا میکردند ولایت طرابلس غرب به ممالك عثمانی حصهٔ ایتالیا افتاده بود. این است که در نیوقت آن حصهٔ خودرا دربرد. دولتهای اوروپا چه گفته میتوانند؟ آیا خود شان برهمین قرار نداده بودند؟ لاجرم در نظر اوروپا ایتالیا بجزاینکه حصهٔ موروثی خودرا گرفته باشد دیگر کاری نکرده است! وازین دل پری بود که «ارض موعود» گفته بی محابا هجوم بردند. اما چه هجوم بی سبب، وغیر مشروع که تابحال در عالم مدنیت امثال آن دیده وشنیده نشده است.

اما جای تعجب این است که این هجوم را دولت علیهٔ عثمانیه از بسیار وقتها تخمین وحساب میکرد، ولی هیچ به اندیشهٔ تدارك آلات مدافعهٔ انجا نیفتادند. نه یك استحکامی. نه یك طوپخانه های مکملی نه یك مقدار عسکری بدرجهٔ کفایت در انجا آماده کرده نتوانستند. اگرچه این قباحت را بدور استبداد سلطان عبد الحمید خان انداختند ولی آیا درحالیکه حکومت مشروطه قایم شد وبعد از مدتی محاربهٔ طرابلس آغاز نهاد چرا در آغاز کار قوای کافیه در آن تحشید ننمودند؟ این قباحت را نیز برجمعیت اتحاد وترقی حمل نمودند. تا به بینیم که حریت وائتلاف چه میکنند!

نتیجهٔ که تابحال ازین محاربه بظهور آمده دو چیز است: یکی اینکه ایتالیا به این محاربهٔ ناحقٔ وناروا موجب لعنت ونفرین تمام دنیا گردید. وچون بدوستان خود وعده کرده بود که همه چیز را حاضر کرده وبجزیك حمله کردن وفروبردن دگر هیچ چیزی نمانده، وبجز یك نیزه ودوا خوریٔ عسکری دگر هیچ چیزی شمره نمیشود، وبعد ازان چون لقمه در گلویش بپیچید وبنای دست وپازدن را گذاشت موجب خندهٔ استهزای دوستانی برانگیزندهٔ خود شده رذیل ورسوای اوروپا وآسیا گردید، وحالا حیران مانده است که چه کند. دوم نتیجه که این محاربهٔ بخشید این است که همهٔ مسلمانان دنیا را بر افکار اوروپا وحال خودشان بیدار وهوشیار ساخت. قدر همدردیٔ ومعاونت همدیگر شانرا تعلیم نمود. نتیجه های غفلت وتسامح را در پیش نظرشان تجسم داد.

غیر از این محاربهٔ طرابلس غرب بسی کشمکشهای عجیب وغریب دیگری نیز در دولت علیهٔ عثمانیه پیش آمده است که اگر بتفصیل همهٔ آن بپردازیم یك کتاب مستقل نوشتن لازم میآید. مدهشترین این کشمکشها اختلافات فرقهای سیاسیٔ داخلی شمرده میشود. اگرچه اختلاف امت را رحمت گفته اند ولی اگر اختلاف در بارهٔ اصلاح وترقی باشد نه برای اغراض نفسی واحتراصات شخصی. هزار افسوس که چون در همهٔ

افکار وحرکات فرقه های مخالف یك دیگر تدقیق وتحقیق شود غیر از این که یکی دیگر خودرا غلطانیدن ، ودوایر حکومتی را بقبضهٔ خود در اوردن — یعنی از فرقهٔ خود وزراء ووکلاء تعیین کردن — دگرچیزی دیده نمیشود .از ین اختلافهای فرقه ها در چنین وقت نازك بجز مضرت دگر هیچ منفعتی دیده نمیشود بهر صورت از درگاه الهی جل وعلا نجاح وفلاح وترقی ومحفوظ ماندن دولت علیهٔ عثمانیه را نیاز میکنیم .

(دولت علیهٔ ایران)

ایران نیز همهٔ سال را بفلاکتها ومصیبتهای عظیمهٔ بسر آورد تا بحال هیچ یك حکومت قویهٔ تأسیس داده نتوانست . هرکس یك خیال دارد . بخیال ناقصانهٔ خود ما مشروطه شدن ایران خیلی بی وقت ونا بهنگام نشدی بود از همه بدتر که ازمشروطه گذشته جمهوریت‌طلبی را نیز ادعا کردند . اما نا دانسته ادعا در تاریخ اسلام چون نظر کنیم حکومت جمهوری را هیچ نمی بینم .مشورت را اگرچه اساس می بینم ، ولی احکام خلفای راشدین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین ، وپادشاهان ذیشان اسلام را چنان نافذ وحاکم می بینم که آثار جمهور ومشروطه دران دیده نمیشود . پادشاهان ذیشان آل عثمان انیمه فتوحاتی که کردند بسایهٔ نفوذ وسطوت وشوکت استقلال خلافت شخصی خود کردند نه بقوت مشروطه وجمهوری حکومت مشروطه دروقتی میشود که اکثر اهالی از زن ومرد عالم فاضل ، مخترع موجد ، صنعتکار ، در ده نوت ساز ، طیاره باز شوند که درانوقت مشروطیت نیز خود بخود بظهور می انجامد .

در وقت حاضر ایران از یك طرف در زیر تهدید اجنبی، واز دیگر طرف در میان اغتشاشات داخلی زبون ونالان افتاده است آیا زنده گانی خواهد کرد ؟ اینهم مجهول ! قتل وقتال رؤساء در مشهد وتبریز ، وتحقیر وتخریب نمودن مزار مبارك حضرت امام رضا رضی الله تعالی عنه ازچنان چیز هائی نیست که جگر مسلمانان راخون نکرده باشد . ما هیچگاه بخرابی ومحوشدن دولت همسایهٔ همدین مهربان خود راضی نیستیم ولی چه باید کرد : « زمانه ایست که هرکس بخود گرفتاراست » . ازدرگاه الهی عز اسمه برای خود وهمه برادران مسلمان خود صلاح ونجاح را رجا میکنیم .

(چین)

چین که یکی از دولتهای بسیار بزرك واسع‌زمین کثیر النفوس آسیاست در سال گذشته بیك انقلاب عظیمهٔ بر خورد . که آنهم حکومت چند صد سالهٔ خاندان (مانجو) بحکومت جمهوری انقلاب یافت . این واقعه نیز خیلی شایان دقت یك حادثه ایست . چنان معلوم میشود که ملت چین از خواب بیدار شدند وحس ملیت شان بجوش آمد . در چنین مملکت تدنی مانند چین تاسیس یافتن حکومت جمهوری خیلی عجیب مینماید . اما بقا وپایداری جمهوریت در چین امید نمیشود .

(ژاپان)

یکی از واقعات عظیمهٔ سال گذشتین سابقهٔ ما، وفات یافتن ایمپراطور ژاپان اعلیحضرت (میکادو موتسو هیتو) میباشد که خبر وفات شانرا در شمارهٔ ۲۳ اخبار خود درج کرده بودیم . وگفته بودیم که انشاءالله ترجمهٔ حالش رانیز درج خواهیم نمود . این است که بالمناسبه ترجمهٔ احوال شان را از همصر معزز (جریدهٔ ما)ی قارسی عیناً نقل مینمائیم :

امپراطور ژاپون

از فوت شاهنشاه عظیم الشان وامپراطور جلیل القدر ژاپان اعلیحضرت (متسوهیتو) میکادوی عادل عالم حکیم مدبر عاقل سیاسی ، جهان انسانیت بگریه وعالم مدنیت بلرزه اندر آمد : زیرا چنین نادرهٔ متخلق باخلاق ملکی ومتصف بصفات حمیده در این عصر تمدن حصر مادر روز گار بکنار نیاورده بود . تنازل از مقام الوهیت (استغفر الله) ومنسلك بسلك عبودیت شدن ، احکام ظالمانه مطلقه را مبدل بمادلهٔ مشروطه کردن ، وصلای مساوات وحریت در میانه شعب وطوایف دادن کار جنس آدمی انهم از پادشاهان مستبده خاصه در مشرقزمین نبوده ؟؟ پس میتوان این امپراطور مصلح وانسان فرشته خصایلرا اول انسان کامل وشخص (اولش نامید) !

(متسوهیتو) یعنی آدم حلیم ومرد لطیف طبع جذاب (میکادو) یعنی آقای دربار سلطنتی (یالنتو) یعنی پادشاه آسمانی وبسا القاب دیگر که ملت ژاپون بدین پدر رئوف وپادشاه عطوف رعیت پرور عدالت گستر خود داده اند .

این امپراطور که صیت جلالت او وعظمت ملتش ژاپون شرق وغرب عالمرا فرا گرفته ودر جنك باروس براً وبحراً تفوق قوای لشکری ، وتدابیر سیاسی ، وفطانت ملی خودرا بدول معظمه عالم نمود . در ۳ نومبر ۱۸۵۲ میلادی مطابق سنهٔ ۱۲۷۰ هجری در شهر کیوتو بدنیا آمد ودر ۱۸۶۷ م به تخت سلطنت جلوس کردودر ۱۸۶۸ تا جگذاری نمود ودر سال ۱۸۶۹ شاهزاده خانم هادکورا (زهره بهاری) که در جمال وکمال یگانه بی مثال واز خانواده های (ایتجیزوا) بود تزویج نمود — ولی چون از این امیره جمیله هرچه اولاد اورد نماندمیکادوچندین مخدرات مجلله بعقد ازدواج در آورد (در ژاپون تکرر تعدد ازدواج

مرسوم است همچون سایر مشرقیان) تا انکه از سایر زوجات پنج پسروهشت دختر بظهور آمد واز پنج پسرچهار نفرش نماندند ویك نفر سیمین که (یوزی هیتو) باشد ماند که ولیعهد واینك امپراطور گردید ..

اعلیحضرت میکادو ژاپون در سنه ۱۲۸۵ ه که به تخت سلطنت جلوس نمود پانزده ساله بودوتمامی ملت ژاپون که چهل وپنجسال قبل باشد وحشی ومشهور بدزد دریائی بودند . تمام شاهزادگان وامرا ورؤسا در بلاد وقصبات مملکت‌ژاپون حاکم مطلق وتمامی املاك واطیان‌رعایارا از خودورعیت رابنده‌ومملوك خود میدانستند در داخله بلاد واغنیا وتجار واعیان ارزاق وماکولات مردم را احتکار میکردند . هرکس میخواست وزیر یا امیر یاحاکمی را به بیند پس از دادن پیشکشها ورشوه ها وهدیه ها انوقتهم معلوم نبود که در اغلاقات زنده جان بدر برد وندرتاً سالم مستخلص‌میشد

میکادوی ژاپون اول از عرش‌الوهیت وکبریائی‌بفرش عبودیت وبی ریائی تنازل کرد وحجاب ابن السماء وسلطان آسمانی را یکباره انداخت سپس دست حکام جابر ورؤسای ظالمرا از سر رعیت کوتاه کرد ومکرر در مکرر خطابه ها خواند وکفت ای اولادان عزیز منهم مثل شما آدمی وشماهم مثل من آدم هستید صاحب حقوق میباشید . محاکم ومحاکمات تعیین کرد ، حکم مساوات وآزادی ادیان داد ، محتکرینرا یکایك ریشه کن کرد پست وتلگراف ایجاد کرد ، وپول بنام‌خود سکه‌نمود(درژاپون قبل از میکادو باسم پادشاه پول سکه نمیشد زیرا حرام میدانستند که دست بی طهارت بنام پادشاه بگذارند) مدارس بسیاری‌باز وتحصیل را اجباری قرار داد ، تا هرکس‌خوانا ونویسنده گردد در هرسال از جوانان تحصیل کردهٔ ژاپونی ببلاد اوروپا فرستاد واز معلمین‌اوروپائی بسیاری ببلاد ژاپون آورد . چون ملترا مستعد دید در سال ۱۸۸۶م — ۱۳۰۴ ه اعلان مشروطه داد وامر بانتخاب وکلا وافتتاح پارلمانت ومجلس اعیان کرد .وقانونی از قانون ناپلیون فرانسه اقتباس وباقتضای حال ژاپونیان موادی بر وافزود واجرانمود...

تاریخ ژاپونرا مبدل بتاریخ میلادی نمود ، واحداث‌کارخانجات اسلحه سازی وکشتی سازی واختراعات حدیثه کرد مکرر خود بنفسه یکتنه بمدارس حاضر وخطابه های‌مشوقانه خواند،واطفال را بعلم تحریص کرد وانعام وجایزه داد . هم چنین مکرر بمیدان مشق قشون حاضر شد ، وسربازانرا تشویق وخطاب ای‌اولادان عزیز نمود وشرکت در غذای انها کرد ،وبانها در یکجا نشست وباصاحبمنصبان نظامی سوار ودر مناوره ها حاضر گردید . جراید رسمی منتشر وجراید غیر رسمی بقیمت نازل مقرر کرد بمیان ژاپونیان پراکنده کنند راه آهن وکشتیهای دریائی راه انداخت . تاجنك باچین در سال ۱۸۹۴ — ۱۳۱۲ پیش آمد ومظفر ومنصور گردید لیکن این غالبیت‌ژاپونرا اوروپاویان خاصه روس از اتفاقات وغفلت چین دانسته تاجنك باروس۱۳۲۲ پیش آمد وهجده ماه طول کشید وهمه جا فتح وفیروزی براً وبحراً نصیب ژاپون شد خودرا ملك الملوك شرق نمود . ودر اعداد دول معظمه عالم در آمد . چنانچه چند روز قبل رئیس الوزرا انکلیز شرحی مفصل دایر بر تمجید وترقیات بریه وبحریه ژاپون بیان کرد : آری میکادوی ژاپون نمرده‌بلکه زنده ابدیست

(میکادوی ژاپون‌در۱۲۷۰ بدنیا آمد واینك که سال ۱۳۳۰ میباشد از دنیا رفت)

هندستان

یکی از وقایع مهمهٔ که در سال گذشته،در آسیا بوقوع آمده تشریف آوری اعلیحضرت جارج‌پنجم پادشاه انگلستان ، وملکه (مه ری) ملکهٔ انگلستان به سیاحت هندستان‌میباشد که‌مراسم جشن تاج پوشیٔ خودرا اجرا نمود ، اگر به روایات عجیبهٔ این مراسم پرد بد به وطنطنهٔ جشن تاجپوشی بپردازیم همهٔ حجم‌اخبارما گنجایش آنرا ندارد . لهذا از مهمترین نتایج آن بحث رانده میگوئیم که اعلیحضرت جارج پایتخت هندستان رااز (کلکته) به (دهلی) که از قدیم پایتخت پادشاهان اسلام بود نقل داد ، وبه اینصورت مسلمانان هندستانرا یك جمیلهٔ حسنهٔ‌سیاسیه‌نشان داد.

وغیر ازین بسی اجرا آت نافعهٔ دیگر نیز در هندستان بروی کار آورد.این راهم بنظرافتخار ومسرت می بینیم که مسلمانان هندستان روز مره بیداری وآگاهی رونما میگردد . مردمان متفنن وباغیرت وبا حمیت عاقل دران‌افزونی میگیرد . دار العلومها مجلسها ، انجمنها ، مکتبها مطبوعات شان کثرت پیدا میکند . یك چیز دیگری که جالب نظر دقت وموجب ممنونیت است همانا تشبثات واقداماتیست که در راه رفع اختلافات ومنازعات هندو ومسلمان بعمل می آید که اگر برین کامیاب شوند حقیقتاً یك شهراه عظیم ترقیٔ هندستان شمرده میشود .

مراکو

در افریقا چون نظر اندازیم دو واقعهٔ بسیار مهمهٔ دران می بینیم که یکی محاربهٔ طرابلس غرب است که ذکر آن‌سبقت نمود. دوم انقراض یافتن استقلال دولت اسلامیهٔ (مراکو) ست که سلطان آن (عبد الحفیظ) تابعیت وحمایهٔ دولت (فرانسه) را قبول کرده استقلال ، وموجودیت ، وحاکمیت ، وآزادی وطن وملت خودرا محو نمود . یا آنکه برین قبول کردن تابعیت نیرنگهای پرافسون اوروپا مجبورش ساخت.این‌بلابرسر مراکو از حرص وطمع ورقابت وحسد دولت‌جرمن وفرانس‌پیش آمد.

به تحریك سر انگشت آنها بعضی قبایل عرب بر مولای حفیظ خروج کردند . مولای حفیظ در شهر (فاس) محصور بماند. فرانس بنا بر احکام معاهدهٔ (الجزیره) در انجا عسکر فرستاده سلطان (فاس) را از محاصره رهائی داد ودر حقیقت حال فاس را بقوهٔ عسکریهٔ خود ضبط نمود . از دیگر طرف جرمن که محرك طرفدران عبد العزیز سلطان اسبق بودیك کشتئ جنگی خودرا به بهانهٔ محافظه کردن حیات ومنفعهٔ تبعهٔ خود در بندر (اغادیر) مراکو روانه نمود . عرق حسد ورقابت فرانس وجرمن بدرجهٔ رسید که دست بشمشیر شدند . وبرای اعلان حرب شان هیچ چیزی نمانده بود اگر دولت انگلیز بفرانس معاونت نمیکرد ممکن بود که جرمن در حرب قصور نمیکرد، بعد از بسیار تهلکه ها وبحثها مذاکره ها باهم ساختند . فرانسه یك قسمی از ممالك (قونغو) ی افریقای خودرا به جرمن ترك نمود ، ودر فاس بعضی منافع تجاریه برای اونشان داده در مراکو در حرکات خود آزاد بماند .

بلی این منفعتها را حریفان بردند اما خسارتها را که کشید؟ هیچ شبهه نیست که مراکو ومراکوئیان ! بلی غفلت وبی اتفاقی همین نتیجه میدهد . درین وقت حاضر عبد الحفیظ بدنام بیغیرتی فرجام بترك تاج وتخت گفته به پاریس رفت . وبجایش (یوسف) نام برادرش را فرانسویان به احتفالات عظیمه نشاندهٔ خود ساختند . قبایل مسلمانان عرب اعلان جهاد کرده اند . فرانس بکمال فعالیت کار خودرا پیش میبرد .

اوروپا

درسال گذشته اوروپا در مقابل صرصرهای حوادث عجیبی مانده بود مسئلهٔ مراکو وطرابلس غرب ، وایران افقهای غربی، وشرقی ، وجنوبی را با ابرهای طوفان اثر کثیفی پوشانیده بود که هنوز هم آینده معلوم نیست که چه شود مسئلهٔ مراکو دولتهای اتفاق مثلث ، وائتلاف مثلث ، اوروپا را یعنی جرمن ، وایتالیا ، واوستریا که اتفاق مثلث اند ، وانگلیز ، وفرانس وروس که ائتلاف مثلث اند بایکدیگرشان در آویخت . درماین انگلیز وجرمن بسببی که انگلیز طرفداری فرانس را در مسئلهٔ مراکو نموده بود خیلی از خیلی کین ورقابت پیدا گردید . ذاتا این دو دولت درماین خودشان هیچ سازگاری ندارند انگلیز یگانه رقیب تجارت وبحر خود جرمن را می داند . ازین سبب هیچ دیده ندارد که اورا ببیند . چنان معلوم میشود که این رقابت ها آخر باهمدیگر یك مصادمهٔ شدیدهٔ را نتیجه بخشد که خیلی مدهش یك مصادمهٔ خواهد بود همه رجال سیاسیهٔ اوروپا سال گذشته را در میان اندیشه های دور ودرازی گذرانیدند .

مسایل بلقانها ، وممالك عثمانیه ، ومحاربهٔ طرابلس غرب ، وایران نیز اوروپا را در یك هرج ومرجی انداخته است . از یکطرف مقاسمه ها ، واز دیگر طرف راست نیامدن در قسمتها ، وباز از یکطرف اتفاقها ، ودرزیر آن اتفاقها ظهور نمودن دیگر گونه نفاقها ، واز دیگر طرف سراز نو ظهور نمودن دیگر گونه حرصها وطمعها اوروپا را سراسر بیك هیجان واضطراب عجیبی در آورده است . مثلا اولا روس وانگلیز در باب ایران یك ائتلافی کرده بودند . نتیجهٔ آن ائتلاف این شد که روس مسئلهٔ جزئیهٔ (شوستر) امریکائی را بهانه گرفته بر ایران عسکر سوق کرد . انگلیز دراول امر صدای خودرا بالانکرد ولی چون دید که روس درلقمه ربائی پیشقدمی ورزید ، ومسلمانان هندستان ودیگر طرفها ولوله ها انداختند از آنرو بحرکت آمده رفتار روسهارا که باگامهای بسیار فراخی بسوی بلعیدن ایران پیش می آمد توقیف نمود .

دیگر حکومتهای اوروپا در امورات داخلیهٔ خود مشغول مانده اند روس نیز در داخل ملك خود با ارباب تجدد وآزادی دست وبغل است . دولت پورتگال ازبادشاهی بجمهوری انقلاب کرده است

امریکا

درامریکا بجز اختلال (مکسیکو) که گاهی خاموش وگاهی شعله ور میشود . ویك حادثهٔ که در (کوبا) ظهور کرده دگر چیزی نیست .

انتهی

حوادث داخلیه

مراسم دربار درعید سعید فیوضات آثار

یوم پنجشنبه سلخ شهر ماه مبارك رمضان فیض رسان بعد از غروب شمس پرتو افشان وانداخته شدن طوب آخرین افطار روزه پرغرران افق دار السلطنهٔ دولت مستقلهٔ خود مختار افغانستان یعنی کابل جنت نشان صانه الله الی آخر الدوران ، باصداهای غران خروشان طوپهای شرر افشان بیك غلغلهٔ مسرت ویك ولولهٔ پرفرحت طنین انداز بشارت دهي ومژده رسانی ورود عید سعید فطر میامن پدید گردید باآن آوازهای بلند پرواز صداهای لطافت دمساز اولادهای صغار وطن بادیانت همراز که پیش از نیم ساعت به انتظار انداخت طوپهای عید سرور انباز از بامهای خانه های خود شان بسوی تپهٔ مرتفعهٔ (بی بی ماهرو) که طوب از انجا انداخت میشود نظر انداز بودند همراز وهم آواز شده همهٔ شهر را یك ولولهٔ سروری استیلا نمود پس به اینحساب که رؤیت هلال غرهٔ رمضان المبارك بروز سه شنبه ثابت گردیده یوم چهارشنبه روزه گرفته

شده وبشام روز پنجشنبه رؤیت هلال شوال المکرم ثابت شده یوم جمعه عید سعید فطر اعلان کردید ثابت شد که رمضان فیض رسان امسال سی روز کامل بعمل آمد .

هلال عید براوج فلك هویدا شد
سرور وفرحت اسلامیان دوبالا شد

صبح روز فیروز جمعه که اجتماع عیدین مسلمین است ونادراً تسادف میکند چنان یك صبح سعادت پرمسرتی بودکه تصویر وتعریف آن ازقوهٔ قلم هر صاحب قلم برتر افتاده است باوجود آن هم تاپدرجهٔ که ممکن باشد ازقرار دیدنیهائی که بچشم دیده ایم بتصویر آن کوشش میورزیم .

بهشت بجهٔ صبح بموجب رقعهٔ هاوطومار های خبری که ازطرف ایشیك آقاسی ملکی حضور اعلحضرت همایونی باورقه های مطبوعهٔ تعلیمنامهٔ قواعد شرعیهٔ صدقهٔ فطر روزه وکیفیت تکبیرها واداى نماز عید برهمه گان تقسیم وتوزیع شده بود در قصر معالی حصر (استور) بجمع آمدن آغاز نهادند وندهٔ بزرك پیش روی قصر همایونی بامفروشات وتزئینات مکملهٔ بسیار فاخری تزئین یافته بود . همهٔ ارباب مناصب ملکی وعسکری تارتبهٔ کمیدانی وشهزادگان عظام وسرداران کرام وعلما واشراف ذوی الاحترام جابجا برمقامهای خود شان اخذ موقع کردند . یك بولوك ازعساکر خاصهٔ پیاده که باونیفورمههای بسیار خوشنما واسلحهٔ نظر ربائی مجهز بودند ازدوطرف وندهصف بستهٔ احترام شدند . بساعت نه ونیم ذات عالی فخامتمآب جناب (نائب السلطنه صاحب) تشریف آورده هیئت دربار را نظارت وبه آوردن ناشتای افطار صبح عید بقرار قاعد که ازطرف اعلحضرت بادشاهی مقرراست اجازه فرمودند . شهزادهٔ جوانبخت معظم جناب (معین السطنه) حسب الوظیفه صف آرائی عساکر شاهانه را از دروازهٔ ارك مبارکه تاجامع شریف عیدگاه بانجام رسانیده تشریف آوردند .

تقریباً ساعت ده ونیم بود که ذات شوکت سمات قدسیت صفات اعلحضرت امیرالمؤمنین (سراج الملة والدین) بادشاه خیرخواه عدالت آئین ماهچون شمس تابان خاوری باهمهٔ شوکت وجلالت سلطنت وسروری برحاضرین دربار معالی باربرتو افروز انوار سعادت گردیدند . وسلام خدام صداقت التسام حاضرین حضور همایونی راقبول فرموده بهعواطفات ونوازشات احوالپرسی شاهانه قلوب بمحبت پر مجلوب صداقت کیشان حضور انور والارا احیافرموده بحاضر شدن حرکت موکب سعادت موهب همایونی بسوی جامع شریف اراده وفرمان نمودند .

حاضرین کرام باانتظام تمام از راه ارك مبارکه گذشته در خارج ارك ازقرار تکتهای نام نویسی که برهرکس تقسیم شده بودبه نمبر های عرابه ها تطبیق داده درسی وشش عدد عرابه های سلطنتی جابجا گردیدند . تاآنکه گردونهٔ شوکت نمونهٔ اعلحضرت شهریاری که بچهار اسب توانای صبارفتار کشیده میشد بحرکت افتاد دیگر عرابه ها متسلسلا بهتمام ترتیب وانتظام وهمهٔ شوکت واحتشام موکب فرخنده گی موهب همایونی راتشکیل داده پیروی نمود .

درعرابهٔ سوارئی ذات اعلحضرت بادشاهی جناب نائب السلطنه صاحب وهردو مصاحبان خاص شرف همرکابی حضور داشتند . دوم عرابهٔ شهزاده گان جوانبختان معظم جناب معین السلطنه وجناب عین الدوله صاحبان بود که عرابهٔ دیگر شهزاده گان عظام وسرداران وصاحب منصبان کرام یکدیگررا بقرار سررشته تعقیب مینمودند .

ازدروازهٔ ارك مبارکه تابدروازهٔ جامع تمام سرك جدید وقومی باغ وپل وسرك بزرك تاجامع ازدو طرفه باعساکر ظفر مآثر نظامی شاهانه محاط شده بود . عساکرخاصهٔ صنف سوار ازرکابی وسراوس ورسالهٔ شاهی موکب همایونی ازدو طرفه بحرکت بود . عساکر شاهانه باموزیکه های عسکرئی خود شان درهر موقعی که موکب همایونی شرف ورودمی یافت سلام شاهانه را ادا میکردند در عقب صفهای عسکر جم غفیری از اهالی بنظارهٔ این موکبهٔ سعادت کوکبهٔ ودیدار شهریار مراحم کردار عدالت منقبه یك سرور وشکران عظیمی موکب همایونی راتماشامیکردند .

بابنصورت این موکب مطنطن ومدبدب شوکت ومهابت مأدب بدروازهٔ جامع بسیار بزرك باصفای قدسیت احتوای عیدگاه مواصلت نمود . ذات اعلحضرت بادشاه مراحم اکتناه بسواری عرابهٔ دستکی ریگشاه ودیگر همرکابان موکب همایونی بشرافت معیت همایونی همراه بوده وصحن جامع شریف راکه باهزاران نفوس مسلمین خنجاخنج پرومملو بود گذرنموده درموقع نمازگاه همایونی که دروسط بنای جامع درزیر قبهٔ بزرك وسطانی معین است تشریف فرمای سعادت گردیدند . وبرمرتبهٔ اول منبر سنك مرمر جلوس فرموده صف آرائی صفوف مصلین رافرمان نمودند . وتاوقتیکه همهٔ عساکر شاهانه ورعایای متفرجین به نماز حاضر میشدند مکث ودرنك فرموده بهادای صلوات عید . وعبادت خالق یگانهٔ وحید آغاز وبعدازانجام نماز خالق بنیاز خطیب بایك خطبهٔ بلیغهٔ عربیه خطابت دینیه لازمه را اجرا . وبرهستی وموجودیت سلطنت سنیهٔ اسلامیهٔ مستقله افغانستان بنام قدسیت التسام بادشاه دیانت اکتناه اسلامیان همه گانرا آگاه وبیناساخت .

ملیون ملیون شکر . ملیار ملیارثنا !

بعدازانکه بقدر ترتیب وتصفیف یافتن عساکر شاهانه توقف همایونی درجامع شریف وقوع یافت بازبه همان شوکت واحتشام که ازهیبت وسطوت دین مبین اسلام متشکل بود بهارك مبارکه عودت موکب باسعادت شاهانه بوقوع آمد .

اینهم ازحسن تسادفات است که امسال روز عید سعید فطر بایوم جمعهٔ مبارکه مصادف گردیده است . ذات مکارم صفات اعلحضرت بادشاه دیانت پناه حقایق آگاه معظم ما اجرای مراسم دربار معالی باررا بعداز صلوات جمعه امر وفرمان نموده هرکس به حاضر شدن نماز جمعه مهیا گردیدند . ذات اعلحضرت شهریاری

نمازجمعه‌را درجامع انوار ملامع ارک مبارک ادافرموده بعدازان مراسم دربار معالی باررا دردالان عظیمهٔ سلام خانهٔ عامه اجرا فرمودند . حلواها ، طعامها ، شیرینیها بقرار سررشتهٔ همه‌ساله ابذال واحسان فرموده‌شد . تقریباً بساعت سه‌دربار معالی‌بار عیدسعید فطربچنان سعادت ها وفرحتها ومسرتها به‌انجام رسید که از لذائذ نعمای آن کام‌جان ملت افغان تابه‌ابدحلاوت‌افشان خواهدماند .

به درگاه حضرت رب عظیم الشان جل وعلاجبین‌عبودیت میسائیم ؛ وشکران این نعمای لایتناهی‌را ورد زبان‌عبودیت میسازیم که جناب‌حق‌و فیاض مطلق بما ملت افغان چنان یك پادشاه دین پناه حقایق آگاه بیدار مغز ترقیخواه عدالت همراه مانند ذات اعلیحضرت(سراج‌الملة والدین) (امیرحبیب‌الله‌خان)ادام‌الله دولته‌عطا واحسان فرموده‌که بسایه ترقیوا به شاهانه شان دولت علیهٔ افغانستان امروزه روز به این سازو سامان علویت شوکت وشان واصل شده‌است . ودولت وملت افغان دروقت حاضر یك‌دولت مستقلهٔ بهمه استعدادات ترقی حاضر و آماده وملت افغان در شهراه‌ترقی‌وتمدن قدم‌انداز سعادت‌شده اند . برماست که شکر این نعمت‌را بجا آریم ؛ ودعای دوام عمر وعافیت پاد شاه محبوب‌القلوب خود ما راکه موجد ترقی ماست ورد‌زبان صداقت نمائیم تا بدیدن بس اعیاد مسرت بنیادملت‌ووطن درزیر سایه همایونی شان‌قریرالعین افتخار کردند .

داك شهر

از داك شهر کابل مکتوبی گرفته ایم که ورود موکب اردوی ظفر آمود همایونی را که مظفراً ومنصوراً ازمحاربه (منگل) بدارالسلطنهٔ کابل عودت نموده‌اند تصویر میکنند لهذا مکتوب مذکوررا عیناً درج مینمائیم :

مکتوب

به اداره خانه سراج الاخبار افغانیه بعد الالقاب

دیروز یعنی یوم دوشنبه ۲۷ ماه رمضان‌المبارك که یك روز مقدس این ماه مبارك بود درهرطرف شهر یك شوق وشاد مانی مشاهده می‌شد مردمان شهر فوج فوج بسوی سرك بزرك (بینی حصار) میرفتند ازین معلوم می‌شد که غیر از شرافت معنوی آن روز مبارك یك شرافت مادی دیگری نیز دربر دارد! این مخلص شما نیز بعد فراغت از وظیفه که‌در ماشین خانه داشتم بایکی از رفقای خود درعرابه نشسته بهمان سمت عرابه چی رابراندن اشارت کردم عرابه ازحدقومی‌باغ هنوز نگذشته بود که بیك منظرهٔ بسیار پرشکوهی برخورديم آمد آمد اردوی مظفر اززبان هرره‌گذر بیك سرور مفتخر شنیده می‌شد عرابه رادر یك کناره کشیده درپیش یك منظرهٔ بسیار باشکوهی خود را یافتیم که همهٔ هیبت وسطوت موجودیت عسکریه افغانیه را بکمال مهابت در نظرها تجسم میداد : پیش ازهمه این را عرض کنم که شتافتنم به این تماشا مبنی بریك وقت گذرانیدن وساعت تیری نبود ، از دو سه روز پیش ازین خبر گرفته بودم که‌ارد وی مظفر عودت میکند : آمد اردو که یك غایلهٔ پر ولوله گمراه شدن ونادانسته عصیان کردن یك قومی ازاقوام وبلکه یك عضوی ازاعضای بنام مارا بموجب رضا وتعلیمات همایونی براه آورده ، ومانند بغی وعصیان یك مرض مهلك وخبیثی رااز آن قوم و عضوملت به تدابیر صحیه کثیری عملیات جراحیه اصحاح واصلاح نموده عودت‌میکنند ، لهذااستقبال ودیدن آمدن‌مجاهدین‌وطن‌رااز زمرهٔ مثوبات شمردم .

عرابهٔ‌ماچون در مقابل توقف‌داشت مجرای جریان آمدند اردو رابتما مهامشاهده میتوانستیم ، صداهای دهلها ی عساکر رساله یعنی سوار ومو زیکه های عساکر پیا ده تقرب نمودن اردو را اشعار میکرد ،اول‌با اول‌عساکرنظامی غند اردل وار دلی باعساکر دراغون سواری خاصهٔ که‌بااونیفور مه‌ها ی‌رسمي‌خودشان ملبس‌بودند وبه‌استقبال برامده‌بودند موزیکه های اهویهٔ لطیفهٔ فتح را نواخته بتمام نظام وانتظام مهابت‌انجام‌مرورنمودند در عقب آن عساکر ملکی شاهانه که هر فرقه وهر جماعهٔ هر قبیله باتخته چوبهائیکه‌اسم‌وشهرت شان‌بران‌نوشته شده بودویکی ازانهاکه درصف‌اول شان میبود بدست داشته بودندشناخته میشد ند ازهمه بیشتر جماعهٔ قوم جدران بودکه‌بقیافت‌عجیب‌الخلقهٔ‌مردانه رمیس‌وافسرشان(پیرك‌خان) ازدور شناخته میشدند . بعدازان دیگرصفوف عساکر ملکي بیك انتظام تمام درگذشتند که بسبب دوری وضعف بصرنوشتهٔ تخته های شان را خوانده نتوانستم در عقب آن یك منظره دهشتنما ی‌دیگری ظهور کرد که‌آنهم مرور گروه اشقیای گمراه شدهٔ بود که یکدیگر شان بازنجیر ها مربوط وبدستهای شان کلبچه انداخته شده‌بود حقیقتاً که‌این منظر خیلی رقت آوربودمجازات‌مدهشهٔ‌جهالت‌وشقاوت‌دارای العین نشان میداد نتیجه شقاوت وعصیان زلت و حقارت وخذلانست که خدا انسانرا ازان‌بلای‌خانه‌ویر ان‌محفظ‌وصیانت‌خود نگهدارد. بعد ازین‌منظره‌یك منظرهٔ نظر پرور دیگر بمرور آغازکرد که عبارت ازعساکر ظفرمآثرمجاهدمسافر بودندکه‌بایك نشهٔ‌سرشار غالبیت که ازصنوف‌پیاده‌وطوپخانه‌وبلوکهای‌متراليوز مرکب‌بودمرورنمود ودر عقب آن سواری خودجناب جنرال(محمد نادر خان بابلوك‌های عساکر سواری معیتش وباقی افسران نظامی وبعضي از ذوات مستقبلین ودر پی آن دیگر متفرقات اردو گذشتند .

بارفیق خودچنان‌قرار دادیم که ازراه نزدیکتری پیش از رسیدن جنرال درقشله یعنی چونی خود را برسانیم و اگر

ممکن شود یك رسم ملاقات استقبال را نیز بجا بیاریم . و هم بیشتر و نزدیکتر ازین آن برادران عسکری خودرا بببنیم

جناب جنرال هنوز از مراسم ایفای سلام اعلیحضرت پادشاهی در مقابل دروازهٔ ارك مبارکه فارغ نشده بودند که عرابهٔما درپیش دروازهٔ قشله توقف ورزید . رفیقم چون از افسران صنف نظامی بود در داخل شدن چونی مزاحمتي نکشیدیم

اگر کسي میخواهد که یك مجسمهٔ شجاعت ومردانگي را ببنید در چونی‌های عسکری درامده حیات عالم عسکری راتماشا کنند . اتحاد یکانگي ، مشقت ، سعی کو شش ، صبور ی حقیقت پادشاه و وطن دوستي را درین منبع ناموس وشرف مشاهده خواهیدکرد . امروز درین قشلهٔ غند اردلی عساکرخاصهٔ شاهانه یك رونق تازه ویك شکوه بی اندازهٔ دیگری دیده میشد . همه نفری موجودی غند بدریشهای مکمل خودشان ملبس بوده درمیدان چونی صف بستهٔ احترام شده بودند . درافسرها یك شوق وشطارت مشاهده میشد . درین اثنا جناب کرنیل (عبدالوکیل) خان که یکی از افسران بسیار لایق وخلیق این قشله وغند مبارك میباشد بما پیش آمده اظهار لطف ومحبت نمود . دیگر بعضي کمیدانها وافسران بهادرنیز بما حسن تواضع فرمودند .

ها ! این راهم برای شما بنویسم که یك غلطی نام درشماره ۱۸ سراج الاخبار افغانیه بوقوع آمده است که آنرا به تصادف امروز خبر گرفتم درانثنای خطابات محاربه که افسران مشارالیهم خطابه میکردند (محمدعثمان خان) سر سلمشر ازمامور شدن خود در ۲۵ ماه جمادی الاول برای استکشاف با ۲۰ تولی عسکر در موقع (حصارك) بحث راندند درسطر ٤ ستون ۲ صفحهٔ ۳ نمبر ۱۸ سال یکم سراج الاخبار افغانیه بعوض محمد عثمان خان سر سلمشر محمد جمال خان سر سلمشر نوشته شده است . چون میدانستم کهشما باین تصحیح خوشنود میشوید بعرض کیفیت جسارت ورزیدم .

والحاصل بعدازکمی انتظار جناب جنرال صاحب محترم ازمدخل جهت غربی چونی سواره باعسکرسوارئی معیت خود به چونی داخل شدند . وبرصفوف عسکر رفته مراسم سلام وخوش آمدی واحوال پرسي را باعساکراجرانمودند .

اگرچه فرصت مکالمه وپرسیدن بعض کوایف باجناب جنرال دست نداد . ولی بیك مصافحه ومعانقهٔ بسیار صمیمانهٔ عالی شان نایل شده وبرسلامتی وکامیابی شان شکرها وثناها گفته واپس عودت کردیم .

این است کهسیاحت امروزی خود را بهمین قدر نوشته بخدمت آن ادیب محترم تاایکه رجه تصویر وتحریر نمودم باقی دوام توجهات تانرا در حق عاجزانه خود نیاز میکنم

ازده افغانستان کابل فی ۲۷ رمضان سنه ۱۳۳۰ .

م . ط

حوادث خارجیه

خلاصهٔ خبر های مختلفه

ممالك عثمانیه

§ ازقرار خبر هائیکه درصحایف اخبارها مطالعه میشود درین روزها درباب مصالحه درمابین عثمانی وایطالیا گرما گرم مذاکرات جاری شده است .

---

§ — درطرابلس غرب وبنغازی هیچ گونه کامیابی برای ایطالی دست نداده است جناب شیخ سنوسي بالذات به اردوگاه عثمانی آمده باجناب انور بیك ملاقات کرده است . ومجاهدین رابرجهاد ترغیب نموده است .

---

§ — مجلس مبعوثان عثمانی فسخ شده بدیگر انتخابات شروع میشود .

---

§ — فرقه اتحاد و ترقی برکابینه حاضر ه اعتماد خود راظاهر نکرده بحساب خود مجلس را تعطیل کرده اند ، وکابینه بحساب خود مجلس رافسخ کرده است .

---

§ — قانون عرفی فرقهٔ حریت وائتلاف با آنکه قانون عرفی ناظم پاشا نسبت بقانون دیوان عرفی فرقهٔ اتحاد وترقی باآنکه قانون دیوان عرفی محمود شوکت پاشا خیلی شدید تر ومستبد تر معلوم میشود .

---

§ — اکثر اخبار های که بفرقهٔ اتحاد و ترقی منسوب بودند تعطیل اشغال نمودند . اخبار های فرقهٔ حریت وائتلاف تشزبانیها دارند .

---

§ — بارون (وینغزهایم) بجای (بارون مارشال) از طرف دولت المان بسفارت استانبول مقرر شده اعتماد نامهٔ سفارت خودرا بحضور اعلحضرت سلطان المعظم تقدیم کرده است .

— دولت انگلیز در عراق عرب روز بروز نفوذ خود را زیاده میکند . درین اوقات در بغداد چنان یك قونسلخانه عالی بنیان جسیمی آباد نموده که از خانه یك شهری زیاده ترشبیه میشود . بعضی میگویند که این قونسلخانه سراسر به اسلحه ، مهمات حربیه مملو میباشد . یك وابور جنگی شان نیز همیشه ودر پیش روی آن قونسلخانه که در کنار نهر دجله بنا یافته لنگرانداز مهابت میباشد . غالبا در نقشهٔ تقسیم عراق را لقمهٔ خود قرار داده باشند ! . . .

§ — آتش عصیان ارناوودها در البانیا هنوز سراسر خاموش نشدهٔ ولی نسبت به اول سکونت حاصل شده است .

— افسران عسکری بلغار ستان باشعبه های مختلفه بلغار اتفاق کرده مجلسها و بیاننامه ها در باب محاربه با عثمانی واحتلال ماکدونیا برپا و نشر نمودند و اوراق حوادث بسی چیز ها در آنباب نوشتند . ولی از خبر های اخیر معلوم میشود که حکومت بلغار بحکومت عثمانی رسما تبلیغ کرده که هیچگاه بدشمنی ومخاصمه در مقابل عثمانی ایستادهگی نخواهد کرد برغم شعبه های بلغاری .

زلزله

— زلزلهٔ شدیدهٔ که در نواحی استانبول بوقوع آمده خیلی دهشتناك یك زلزله بوده است . زلزله در بحر مرمره وآبنای چناق قلعه یعنی در دنیل ظهور نموده آبهای بحر مانند یك طوفان عظیمی بحرکت آمده کشتیهای جنگی دولت عثمانیه را که درانجا لنگرانداز بودهاند بگمان وشبهٔ کفیدن طورپید یعنی نقب دریائی انداخته شده است دو قریه کاملا در زیر آب بحر غرق شده است ودوسه قریه بسبب افتادن لامپها از شدت زلزله آتش گرفته باخاك یکسان شده است . بقدر (۱۵۰۰۰)هزار نفوس بیخانمان ماندهقریب بدوهزار آدم تلفشدهوبهزار هامجروح گردیده .

ازاخبار تایمس ترقی وتعالی افغانستان

داکتر (والترسایز) یکی ازاعضای جمعیت آسیاست کهدرلندن تشکیل یافتهاست اخیراًبه (افغانستان) یكسیاحتی اجرا کرده وپارسال درباب سیاحت خود درجمعیت مذکوره یكقونفرانسی داده دران قونفرانس چنین گفتهاست :

« افغانستانرا هرکس یكمملکت عادتی شرق میداند وآن مملکترا درزیرادارهٔ یکی از امرای شرق میشناسد پیشازانکه بهافغانستانسیاحت کنم منهم آنچنان میدانستم وبهمان فکربودم. اماوقتیکه بهافغانستان رفتهاحوال آنجارا برأیالعین مشاهدهکردم چنانمناسب دیدمکهبرای تصحیح وتوسیع کردنحسیات ومعلومات هموطنان خودرا درباب افغانستان اینقونفرانس راترتیب واعظ نمایم :

ایهموطنان !افغانستان همان افغانستان قدیم نیست . شمارا تامین میکنم کهسراسرتبدیل یافتهاست.اگر آنجاهارابچشمهای خودتان ببینیدهیچ باورنخواهیدکرد کهاینیك! مملکتشرق باشد .

در افغانستان هرچیزی موجود است . امیر سابق مرحوم عبدالرحمن خان چاره هایفایدهبرداشتن را ازمدنیت حقیقیهٔاوروپا اندیشیده ونه دای های ترقی وتعالی افغانستانرا وضع کرده بود . مشارالیه دریٖنباب به آخر درجه جهد و غیرت کرده است ، درین خصوص شب وروز کوشیده است . خواب وراحت ، وصحت وعافیت خود را برای حصول این مقصدفدا کرده است.

امیر عبدالرحمنخان مرحوم دروقتی که میخواست ثمرههای این مساعی خودرا بردارد وفات یافت ولدارشد بزرك شان حضرت (امیر حبیبالله خان) چون بعدازوفات آنامیرعالی خیال برتخت سلطنتجلوس نمودبهاثرپدرمرحومخودشاناقتداواقتضاکردهمملکت خودشانرااحیا نمودند . امروزه روز در افغانستان کارخانه های طوپ ، وتفنك ، وکارطوس ومالزمهٔ حربیه موجوداست . عسکر افغانستان کاملامنتظم ومجهز ، وبااونیفور مههاملبس میباشند :

درحالتیکهپیش ازبیست سال یکوجبدراه شوسه یعنی سرك در افغانستان نبود امروزهروزشوسههامانندشبکهٔخانهٔجولاهرهرطرف رافرا گرفته است. ملت افغان که در اول بایغماگری ، وچپاولی مشغول بودند امروزه روز زراع تاجر ، کاسب شده اند. در افغانستان حرف وصنایع خیلی ترقی کرده است . مکاتب ابتدائیه بسیار است . در کابل سر ازنو یکچند مکتب اعدادی ویك دودارالفنونتأسیس شده است . افغانها در حالتیکه ازیكاروپای نفرت میکردند امروز دررحلهٔ تدریس معلمهای اوروپای حان میاندا زند .اعلحضرت امیر بهاینهم اکتفانور زیده برای ترجمهکردن علوم وفنون جدیدهٔ اوروپا را بزبان فارسی کهزبان رسمي افغانستان است درکلکتهیك دار الترجمه احداث کرده.ونکرانی آنرا نیز به وکیل سیاسي افغانستان مقیم کلکته حواله وتودیع فرموده اند . بعدازانکه آثار مترجمهٔطبع میشود بکابل فرستاده شده در موقع استفاده وضع میکردد . اعلحضرت امیر به اینصورت بملك وملتخوددریكمقیاس واسعی خدمت کرده.ونامخودرا ابدیا احیاوابقا نمودهاند .

برای امورزراعیهٔافغانستان ماشینهاینوسیستمزراعتطلب کرده براهالی بقیمت مناسب درفروختن است .وبدل قیمت آنازززراع قسطبقسط گرفتهمیشوددرکابلچونکارخانههایالکتریك پشمینهبافی وسانبافی ، وکاغذ، وآلات جارحه رادیدم حیران شدم .خودرا عادتاً دراسویچره) یعنی سویزرلند گمان کردم . بعد از دهسال افغانستاندرعمران ومدنیتهندستان را عقب خواهد گذاشت. اعلحضرت امیرعلماء وفضلاء وادباءوارباب تجارت وصنعت را دوست میدارند وبااینهادید وبازدید کرده تشویق وتقدیر میکنند تنها شهرکابل رانی ، بلکه همه ایالتهایرا که تابع وخرجگذار حکومت افغانستانست نیزگردش کردم ، وازنظرگزرا نیدم . درهرجا هرچیز نواست . روز بروز بفضل ومعرفت اهالی تنور فکر میکنند .از حرفت وصنایع استفاده میکنند . شهرغزنین) بااین فعالیت عمران وقت نخستین خودرا خواهد یافت بلی.احتمال دارد کهباز بدرجهٔ کمالی که لایقمدحوستایش شاعرشهر ایرانی یعنی (فردوسی) گردد واصلخواهد شد .فردوسی اینمملکت را بهشت تشبیه دادهبود.بحقیقت کهاینجا مانندیك بهشتی ست والحاصل



سبیل الرشاد

نام یك اخبار فواید آثاریست که در استانبول از طرف یك جمعیت علمیه وقلمهای بسیار پرزور ادبیه بزبان ترکی طبع ونشر میشود. این جمعیت برغبت اولا بنام (صراط المستقیم) یك اخباری نشر میکردند. اما از چندیست که (سبیل الرشاد) صراط المستقیم را تعقیب میکند. مقصد وموضوع این اخبار اسلامی ایقاظ وتنبیه مسلمانانست. از تفاسیر شریفه واحادیث نبویه، وفلسفهٔ دینیه، وحکمت سیاسیهٔ اسلامیه بیك اسلوب بسیار متینی بحث میراند که ما آن ارباب قلم دیانت توأم را ازدل وجان تبریك میگوئیم، وتقدیر میکنیم. وکثرت یافتن این گونه آثار قلمیهٔ اسلامیه را در همهٔ زبانهائی که اسلامها به آن متکلمند به بسیار آرزو نیاز وتمنا میکنیم. اخبار اسلامیت انتشار منبور نقلا از اخبار (العلم) که آنهم یکی از اخبارهای مدافع وغیور اسلامیه شمرده میشود، ودر مصر القاهره بلغت عربی طبع ونشر میشود دریکی از نسخه‌های منتشرهٔ خود در زیر عنوان ذیل چنین مینگارد:

(آیا میشنرها در راه انتشار دین اسلام توانائی وپایه داری میتوانند؟)

درین روزها میشنرها باهمهٔ موجودیت وهمه‌سعی وجهد خودشان آستین‌ها وپاچه هارا برزده بیش از پیش در راه نشر کردن نصرانیت بهر رقم ووسیله وواسطه هائیکه از دستشان می آید جنك تشبث میزنند. مکتبها، بیمارخانه‌ها در مصر ودیگر بلاد اسلامیه بنا کرده اطفال سبق آموز وتداوی طلب ذکور واناث را رایگان دران قبول میکنند، تکیه‌ها باز کرده فقراء وایتام مسلمین را در انجا اطعام واکسا نموده اغفال کردن میخواهند. کتابها، رساله ها، اخبار ها نشر کرده‌برا یگان هزاران هزار نسخه های آنرا برمردمان پراکنده میکنند. اما هزار افسوس که این حیله های شیطان پسندانهٔ آنهارا که محض برای نصرانی ساختن است درینوقت هیچ مسلمانی نیست که نداند.

حالانکه برغم اینهمه سعیها وکوششهای میشنرهای نصارا بازدیگر طرف ارباب بصیرت وحقیقت از هر گروه وهر ملت فوج فوج بدین مبین اسلام اهتدا مینمایند. این است که شمارا از نامهای بعضی ازانها که درظرف این ماه محض رضای خودشان بدین مبین اسلام در مصر مشرف شده‌اند خبر میدهیم: (محمد بیك راغب) از اعیان نصارای مینا: (عوض بیك عریان) از اعیان نصارای بنی سویف: (فیلسوف محمد عثمان افندی) از اشراف قوم انگلیز: جناب (مهدی افندی) از اعیان نصارای اسکندریه که این ذات دایما بجهر میگوید که: (ان الدین عند الله الاسلام) در اثنای نوشتن این سطرها بودم که یك اعلام شرعی را خواندم که در حضور حاکم محکمهٔ شرعیهٔ (منوف) دوزن اززنان نصارای آنجا آمده برضای خود دین اسلام را قبول کردند. پس معلوم میشود که اسلامیت در سیر طبیعی خودسر راست قطع مراحل میکند. بلی درین هیچ شبهه نیست، زیرا این دین دین فطریست.

سراج الاخبار افغانیه

دولتهای اوروپا دورقم پولیتیك در باب استیلای جهان می‌پرورانند: یکی طوپ وتفنك، دریدناوت، اوروپلان وغیره. دوم جمعیتهای خفیهٔ دینیهٔ کلیسائیهٔ نصاراست مانند جمعیت (ژه‌زوویت‌ها) ولازاریست ها وغیره. این جمعیت ها محض برای نصرانی ساختن دنیا تشکیل یافته‌اند. عالم کلیسا در پولتیکهٔ دولتها تایکوقتی نفوذ وتاثیر عظیمی داشت ولی رفته رفته آن شدت تاثیر زایل گردید. تا آنکه سراسر از اهمیت درافتاده. موخراً دولتها راه استفاده را ازان جمعیتها تفکر کرده جمعیت های مذکوره را آله های پیشرفت مقاصد سیاسیهٔ خود ساختند.

درسال کرور هاروپیه ازطرف جمعیتهای مذکوره درراه نشر نمودن دین نصرانیت صرف میشود. مرکزهای جمعیتهای مذکوره دراوروپاست. از طرف آن جمعیت ها بنام (موسیونر - یا - میشنر) یعنی فرستاده‌ها بهر هر طرف عالم فرستاده میشود. میشنرها درجاهائیکه میروند بمساعدهٔ حکومتهای آنجا یك کلیسا، ویك بیمارخانه ویك یا دوباب مکتب ذکور واناث برپا وبنا نموده ظاهراً به انسانیت ومدنیت خدمت کردن وضمناً نصرانیت ویا پولیتیکهٔ هر دولتی را که به آن منسوب باشند نشر نمودن یگانه موضوع مقصد میشنری را تشکیل میدهد. بهزارها هزار کتابها ورساله‌ها واخبارها در راه نشر مقصود خودشان طبع ورایگان پراکنده میسازند. کارهای که این جرثومه‌های شر وفساد در دنیا برپا نموده‌اند هیچگاه میکروبهای طاعون وبا بجا آورده نتوانسته است. مقاصدی که اوروپا بانها حاصل کرده اند آنرا هیچگاه باقوای ناریه خود نکرده اند. بقدر بیست‌وسی ملیون نفوس، وبهزارها کیلومتر اراضی چین را یك چند سالی پیش ازین یکدو سه میشنر فدائی جرمنی در زیر استیلای دولت جرمن در آورد. والحاصل سعیها و کوششهای که این گروه لایفلحون در هندستان ومصر وممالك عثمانی وافریقا وغیره بلاد بکار میبرند شایان حیرت است.

حالانکه از طرف علمای اسلام هیچگاه به همچنین جمعیتها وفرستاده‌ها تشبث نشده وبلکه بخیال وخاطر کسی هم نگذشته که به نشر کتابها وبافرستادن واعظها در مدافعهٔ آنها یك کوششی شود. اگرچه بزبان ترکی، وتایك درجه بعربی واردو کتابهای مدافعهٔ دینیه نوشته شده است که آنهم نسبت قطره را به بحر نمیگیرد ولی هزار افسوس که در زبان فارسی هیچ یك کتابی درینگونه مدافعه‌ها وبیدار یهای امت نوشته نشده است. ما درینباب بعد ازین یك مقالهٔ مخصوصهٔ خواهیم نوشت که از احوال میشنری ومیشنرها انشاءالله معلومات کامله عرض خواهیم کرد. اما درینجا اینقدر یك عرض شکرانی را یاد آوری میکنیم که الحمد لله هزار بار الحمد لله در وطن عزیز مقدس ما از فیض دیانت پروری اعلیحضرت پادشاهی این میکروبهای بلافرجه باب دخول شده نتوانسته اند وانشاءالله تا به ابد هم نخواهند شد که این مسئله حقیقتاً شایان شکران عظیم است. زیرا اگر در وقت حاضر یك نقطهٔ از نقاط روی زمین را ازین جرثومه‌های بلا خالی بیابیم همانا قطعه افغانستان خواهد بود.

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد ازطرف مدیر ومحرر تحریر یافته
محمود طرزی

درچهاپ خانه حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید